



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نهج البلاغه و آگاهی از غیب



مؤلف: جعفر سبحانی لبریزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهج البلاغه و آگاهی از غیب

نویسنده:

جعفر سبحانی

ناشر چاپی:

روزنامه اطلاعات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | نهج البلاغه و آگاهی از غیب |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | گزارش امام از رویدادهای پنهان |
| ۷ | اشاره |
| ۸ | شاهراه‌های سه گانه معرفت |
| ۸ | اشاره |
| ۸ | راه تجربی و حسی |
| ۸ | راه استدلالی و عقلی |
| ۹ | راه الهام و اشراق |
| ۹ | اشاره |
| ۹ | توضیح |
| ۱۰ | دو نوع آگاهی از غیب |
| ۱۱ | نمونه‌هایی از خبرهای غیبی نهج البلاغه |
| ۱۲ | اشاره |
| ۱۲ | شهر بصره غرق می‌شود |
| ۱۲ | معاویه بر سرزمین عراق مسلط می‌گردد |
| ۱۲ | از آنها ده نفر جان به سلامت نمی‌برند و از شما هم ده نفر کشته نمی‌شوند |
| ۱۲ | مروان بن حکم حکومت بسیار کوتاهی خواهد داشت |
| ۱۳ | جوان ثقفی بر شما مسلط می‌شود و هستی شما را غارت می‌کند |
| ۱۳ | برنامه مهدی موعود پیروی از قرآن و هدایت است |
| ۱۳ | اگر بخواهم از همه خصوصیات شما خبر دهم می‌توانم |
| ۱۴ | زمانی بیاید که از اسلام فقط نام آن باقی بماند |

۱۴ خوارچ پس از من با خواری و ذلت زندگی خواهند کرد

۱۴ از هر چه سؤال کنید خبر می‌دهم

۱۴ پاورقی

۱۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نهج‌البلاغه و آگاهی از غیب

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۶-۴۲۵۸

سرشناسه: سبحانی تبریزی جعفر

عنوان و نام پدیدآور: نهج‌البلاغه و آگاهی از غیب سبحانی تبریزی جعفر

منشأ مقاله: اطلاعات (۴ اردیبهشت ۱۳۷۶): ص ۷.

توصیفگر: غیبگویی

توصیفگر: نهج‌البلاغه

توصیفگر: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول

گزارش امام از رویدادهای پنهان

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

آگاهی از غیب و گزارش امام (ع) از حوادث و رویدادهای پنهان و پوشیده، بالاخص جریانهایی که پس از شهادت وی رخ داد، یکی از ابعاد گسترده «نهج‌البلاغه» را تشکیل می‌دهد و مجموعاً در این کتاب هفتاد و پنج خبر غیبی وجود دارد که اکثراً و یا مجموع آن‌ها تحقق پذیرفته‌اند.

خبرهای غیبی نهج‌البلاغه، گواه بر این است که امام، علاوه بر آگاهی‌های حسی و عقلی، از آگاهی‌های سومی برخوردار بوده که هرگز نمی‌توان آن‌ها را از طریق ابزاری به نام حس و عقل کشف کرد. گزارش از غیب نشانه نبوت و یا رسالت نیست که از انتساب آن به امام وحشت کنیم، بلکه نشانه صفای روح و لطافت ذهن و تائید الهی است و حاکی از آن است که انسانی به چنان مقام و درجه‌ای رسیده است که می‌تواند مرزهای زمان را در هم شکند، و حوادث را پیش از وقوع درک و احساس کند، و یا مکان و حجاب ماده را در هم کوبد، و با حوادث دور از محیط خود، ارتباط برقرار کند و آن را لمس نماید.

رشد و گسترش علوم مادی، و فرو رفتگی انسان معاصر در مسائل طبیعی، تاثیر خاص در نحوه تفکر انسان نهاده و او را بر آن داشته است که همه مسائل را با قوانین مادی بسنجد، و آنچه را که با این میزان بسیار نارسا، تطبیق نکند انکار کند.

از نظر قوانین مادی، انسان محصور در مرزهای تنگ زمان و مکان، چگونه می‌تواند حوادثی را لمس کند که با او هم زمان و یا هم مکان نیست، ذهن انسان هرگز بسان اشعه ایکس نیست که برای خود حجاب و مانعی نشناسد و در دل اشیاء نفوذ کند و از ماوراء آن گزارش دهد و یا وجود انسان آنچنان گسترده نیست که، حوادث دور از زمان خود را مشاهده کند.

این گونه افراد علم زده فریب اینگونه قوانین مربوط به جهان ماده را می‌خورند، و به انکار یک سلسله مسائل برمی‌خیزند که برای خود میزان و سنجش خاصی دارند.

[صفحه ۲]

در این مقاله فرصت آن نیست که پیرامون امکان آگاهی از غیب از نظر دانش‌های امروزه بشری، و یا از دیدگاه قرآن و اخبار اسلامی سخن بگوئیم از این جهت سخن را در اینجا کوتاه کرده و به اصل بحث می‌پردازیم و یاد آور می‌شویم که نقاط بحث ما را

در این مقاله، سه موضوع تشکیل می‌دهد:

۱- شاهراه‌های سه گانه معرفت

۲- دو نوع آگاهی از غیب

۳- نمونه‌هایی از اخبار غیبی که در نهج البلاغه وارد شده است.

اینک پیرامون موضوع نخست سخن می‌گوئیم. به طور مسلم زندگی هر بشری از «ناآگاهی» شروع شده و کم‌کم وارد محیط آگاهی می‌گردد و به تدریج روزنه‌هایی به دنیای خارج از ذهن پیدا می‌کند.

او نخست از طریق حواس ظاهری به حقایق دست می‌یابد، سپس بر اثر تکامل دستگاه تعقل و تفکر، کم‌کم با حقایق که از قلمرو حس و لمس بیرون می‌باشد، آشنا می‌گردد، و در نتیجه یک فرد عقلانی و استدلالی گشته و از یک رشته حقایق کلی و قوانین علمی آگاه می‌شود.

گاهی در میان افراد بشر «ابر آگاهی» پیدا می‌شوند که از طریق الهام، از مطالبی آگاه می‌گردند که هرگز از طریق استدلال راهی به کشف آنها وجود ندارد.

از این جهت دانشمندان، ادراک بشر را به این سه نوع «ادراک توده مردم» و «ادراک استدلال‌گران و متفکران» و «ادراک عارفان و روشن بینان» تقسیم کرده‌اند.

تو گویی ظاهر بینان به کمک حس، متفکران به مدد استدلال، و روشن بینان به یاری الهام و اشراق از جهان بالا، به کشف حقایق می‌پردازند.

نوابغ جهان، فیلسوفان و دانشمندان تائید می‌کنند که یافته‌ها و ساخته‌ها و پرداخته‌های بی سابقه آنان، بیشتر بر اثر جرقه‌های روشنی بخش و الهام آمیز، به ذهن آنان خطور کرده و سپس آنها به یاری شیوه‌های تجربی و یا روش استدلالی به پرورش و تکمیل و تحقیق آن مبادرت جسته‌اند.

شاهراه‌های سه گانه معرفت

اشاره

از این بیان استفاده می‌شود که بشر برای نیل به مقصود، سه شاهراه در اختیار دارد، توده

[صفحه ۳]

مردم غالباً از طریق نخست، و گروهی از راه دوم، و افراد انگشت شماری بر اثر تکامل روحی از راه سوم استفاده می‌کنند.

راه تجربی و حسی

مقصود از این قسم آن ادراکاتی است که از طریق حواس برون‌ی وارد قلمرو ذهن می‌گردند. مثلاً هر یک از دیدنیها و چشیدنی‌ها و بوئیدنیها و ... از طریق ابزار ویژه خود، در محل ادراکات ماقرار می‌گیرند و امروز اختراع تلسکوپ و رادیو و تلویزیون و ... کمک‌های شایان تقدیری به ادراکات بشر نموده و او را بر دور و نزدیک مسلط ساخته است.

راه استدلالی و عقلی

متفکران جهان با به کار انداختن دستگاه تعقل و اندیشه، از یک رشته مقدمات بدیهی و روشن و ثابت در علوم، یک رشته قوانین

کلی خارج از حس را کشف می‌کنند و قله‌هایی از معرفت و کمال را تسخیر می‌نمایند. قوانین کلی علوم به قید کلیت، مسائل فلسفی و آگاهی‌های مربوط به خدا و صفات و افعال او، و مسائلی که در علم عقائد و مذاهب مطرح می‌گردد، همگی مولود دستگاه تفکر و نتیجه به کار افتادن نیروی عقل انسانی است.

راه الهام و اشراق

اشاره

این راه واقعیت‌شناسی سومی است که در وراء دستگاه حس و تعقل قرار دارد، یک نوع واقعیت‌شناسی جدیدی است که امکان آن از نظر علم و دانش قابل انکار نیست، البته نظام جهان بینی محدود مادی نمی‌تواند یک چنین ادراک غیر حسی و تعقلی را بپذیرد اما از نظر اصول علمی راهی برای انکار آن وجود ندارد.

توضیح

به گفتار یکی از روان‌شناسان، جنبه‌های تجربی، بوسیله حواس شناخته می‌شود و جنبه‌های عقلانی به واسطه اندیشه منطقی و ریاضی به مرحله ادراک می‌رسد و سرانجام بر اثر اشراق و الهام، جلوه‌هایی از ماورای حس و استدلال روشن بینی‌های برق آسا، و جرقه‌های روشنگر که ذهن حساس نوابغ، از آنها برخوردار است، به مقام رویت می‌رسند.

پرفسور «سوروکین» روان‌شناس معروف یکی از آن افرادی است که وجود سه شاهراه حقیقت‌شناسی را به روشنی تصدیق کرده و برای ادراک عرفانی و به اصطلاح

[صفحه ۴]

الهام، مقام و منزلتی ویژه قائل است و صریحا می‌گوید: نمی‌توان این راه را تخطئه و تحقیر نمود. مگر می‌توان آموزش گسترده ادیان بزرگ را یکسره به تقلید کوتاه بینان نظام ناچیز و بی حکمت شمرد، و برای آن ارزشی قائل نگشت؟ بنابراین می‌توان معرفت‌های سه گانه را به شرح زیر نامگذاری کرد:

۱- راه حس یا حس آگاهی

۲- راه عقل یا خرد آگاهی

۳- راه الهام یا دل آگاهی

امروز روانشناسی الهام را به صورت یک واقعیت روانی پذیرفته و آن را چنین توصیف می‌کند: ادراک ناگهانی، آگاهی بخش، توضیح دهنده یک باره و بدون مقدمه، که چو برقی لامع در صفحه ذهن می‌درخشد بی آنکه حتی غالبا پیشاپیش در باره آن اندیشیده باشد.

اهمیت و نفوذ الهام در اکتشافات علمی مورد تأیید دانشمندان قرار گرفته است «البرت آنشتین» که در سال ۱۸۷۹ دیده به جهان گشوده و در سال ۱۹۵۵ در گذشته است، با بسیاری از فلاسفه و عرفا هم آهنگ گشته و بسان برخی از دانشمندان اسلامی که الهام را کلید معارف می‌دانند، وی الهام را عامل پراج در اکتشافات علمی می‌داند.

در سال ۱۹۳۱ دو دانشمند شیمی دان آمریکایی به نام «یلات» و «پیکر» پرسش نامه‌ای برای تحقیقی درباره اهمیت الهام در کشف و حل مشکلات علمی، میان گروهی از دانشمندان شیمی بخش کردند و نتایج بسیار ارزنده آن انتشار یافته است.

یکی از دانشمندان، مورد سؤال را اینطور پاسخ داده است: در باره حل مساله‌ای کار و فکر می‌کردم، ولی در اثر اشکالات و ابهام

فراوان آن، تصمیم گرفتم که دیگر به کلی کار خاص به آن و تمام افکار مربوط به آن را کنار بگذارم. فردای آن روز در حالی که سخت مشغول کاری کاملاً از وع دیگر بودم، یکباره (فکر ناگهانی) مانند جهش برق، در خاطر من خطور کرد و آن همان حل مسأله‌ای بود که مرا به کلی مایوس کرده بود.

نظیر این گزارش از «هانری پوانکاره ۱۸۵۴-۱۹۲۵» ریاضی دان نامی فرانسه و بسیاری دیگر از دانشمندان طبیعی، ریاضی و فیزیک نقل شده است.

جالب توجه اینست که بسیاری از الهام‌های عامی که سبب کشف واقعیاتی پر ارج شده است و نه تنها با اشغال و تمرکز فکری دانشمندان در زمان فعالیتشان ارتباط نداشته است، بلکه حتی با رشته تخصصی آنان نیز دارای رابطه نزدیک نبوده است. شاهد گویای این مطلب این است که مثلاً «لوئی پاستور ۱۸۹۵-۱۸۲۲» متخصص در شیمی بوده است که به کشف میکروب موفق شده است.

[صفحه ۵]

دو نوع آگاهی از غیب

آگاهی پیامبران و پیشوایان معصوم از غیب، بر دو گونه تصور می‌شود:

- ۱- بدون تعلیم الهی، آگاه باشند.
 - ۲- خدای آگاه، به پیامبران تعلیم کرده باشد و امامان نیز هر کدام از امام قبل، و سرانجام از پیامبر آموخته باشند و یا خداوند از راه دیگری به آنان تعلیم کرده باشد.
- دانشمندان شیعه همگی تصریح کرده‌اند که آگاهی پیامبر و امام از غیب، ذاتی و بدون تعلیم الهی نیست و به گونه دوم به تعلیم الهی است و کسانی که علم امامان (ع) را ذاتی و بدون تعلیم الهی بدانند و علم آنان را به گونه علم الهی بدانند از «غلا» [۱] به شمار می‌آیند و اصولاً این عقیده مستلزم شرک می‌باشد. در اینجا لازم است توجه خواننده عزیز را به مطلبی جلب کنیم:
- با مراجعه به روایات و گفته‌های دانشمندان بزرگ روشن می‌شود که در زمان پیامبران گرامی (ع) و امامان معصوم (ع) و نیز در دوره‌های بعد، گاهی از واژه «علم غیب» علم ذاتی و بدون تعلیم الهی فهمیده می‌شده است و از این جهت در آیات و روایات و نیز در کلمات دانشمندان مکرراً تصریح شده است که آگاهی پیامبر و امام از غیب، ذاتی نیست، بلکه به تعلیم الهی از راه وحی و غیره و یا آموختن از پیامبر و امام قبل است و اگر در برخی از احادیث آگاهی از غیب آنان نفی شده است، مقصود این نوع از علم غیب است.

و اینک متن برخی از روایات و گفتارهای دانشمندان:

یک بعد از پایان جنگ جمل، علی (ع) در بصره خطبه‌ای خواند و در ضمن آن خطبه از برخی حوادث آینده خبر داد یکی از یاران آن حضرت با تعجبی فراوان، به ایشان گفت: «لقد اعطیت یا امیرالمومنین علم الغیب». آیا شما «علم غیب» دارید و این جمله اشاره به این بود که «علم غیب» اختصاص به خدا دارد زیرا خدا است که ذاتاً به همه چیز آگاه است.

آن امام گرامی در پاسخ او خندید و گفت: «لیس هو بعلم الغیب و انما هو تعلم من ذی علم» ... اینکه من از حوادث آینده خبر می‌دهم «علم غیب» یعنی ذاتی و بدون تعلیم الهی نیست بلکه بوسیله پیامبر خدا (ص) به من تعلیم شده است [۲ ...].

دو: یحیی بن عبدالله بن الحسن به امام هفتم (ع) گفت: فدایت شوم اینان (گروهی از مردم) عقیده دارند که شما «علم غیب» دارید. حضرت در پاسخ او فرمود ... نه به خدا سوگند آنچه ما می‌دانیم از پیامبر خدا (ص) به ما رسیده و از آن حضرت آموخته‌ایم، «لا و

الله ما هی الا وراثه عن رسول الله (ص)» [۳].

سه شیخ بزرگوار محمد بن، محمد بن نعمان مفید (متوفای ۴۱۳) می‌نویسد:

[صفحه ۶]

کسی را می‌توان به طور مطلق دارای صفت «عالم به غیب» دانست که علم او ذاتی باشد و از کسی نیاموخته باشد و علم هیچ کس جز خداوند بزرگ ذاتی نیست و از این رو شیعه معتقد است که نباید در باره امامان به طور مطلق گفته شود. بلکه باید توضیح داده شود که علم آنان مستفاد از امام قبل و از پیامبر (ص) و سرانجام به تعلیم الهی است. [۴].

چهار: مفسر عالیقدر شیعه مرحوم شیخ طبرسی (در گذشته ۵۴۸) می‌نویسد:

به عقیده شیعه کسی را می‌توان با جمله «عالم به غیب» توصیف کرد که همه غیب‌ها را بداند و علم او ذاتی باشد و هیچ کس جز خدا این چنین نیست و اما خبرهای غیبی فراوانی که دانشمندان شیعه و سنی از علی (ع) و سایر امامان نقل کرده‌اند همه از رسول خدا (ص) به آنان رسیده و رسول خدا (ص) نیز از خداوند آموخته است. [۵].

پنج: رشید الدین محمد بن شهر آشوب مازندرانی (در گذشته ۵۸۸) می‌نویسد:

پیامبر و امام از غیب آگاهی دارند اما نه به این معنی که علم آنان ذاتی باشد بلکه خداوند، بخشی از علم غیب را به آنان آموخته است، و عقیده به این که علم آنان ذاتی است و با علم خدا تفاوتی ندارد مستلزم شرک می‌باشد. [۶].

شش: کمال الدین ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹) می‌نویسد:

منظور از علم غیبی که جز خدا نمی‌داند علم غیبی است که بدون تعلیم و آموختن باشد و «علم غیب» بدون تعلیم، اختصاص به خدا دارد و جز خدا هر کس آگاهی از غیب پیدا کند به تعلیم الهی بوده است. [۷].

هفت: ابن ابی الحدید معتزلی (در گذشته ۶۵۵) می‌نویسد:

ما انکار نمی‌کنیم که در میان افراد بشر اشخاصی باشند که از غیب خبر بدهند اما می‌گوئیم آگاهی آنان از غیب، مستند به خداوند است و خداوند وسیله آگاه شدن آنان را از غیب فراهم می‌آورد. [۸].

هشت: فضل بن روزهان همان دانشمند سنی که در سده نهم و دهم می‌زیسته، با همه تعصبش در کتاب «ابطال نهج الباطل» می‌نویسد:

روا نیست درباره کسی گفته شود: علم غیب دارد، آری خبر دادن از غیب به تعلیم الهی جایز است و راه این تعلیم با وحی است و یا الهام، البته نزد کسی که الهام را یکی از راههای آگاهی از غیب می‌داند. [۹].

نه علامه مرحوم شیخ محمد حسین مظفر می‌نویسد:

علم خدا ذاتی است و علم امامان (ع) به تعلیم الهی است و هیچ کس نباید توهم کند که علم امامان (ع) مانند علم خدا است پس مانعی ندارد که بگوئیم امامان ذاتا علم غیب ندارند اما به

[صفحه ۷]

تعلیم الهی، از غیب آگاهی دارند. [۱۰].

ده علامه طباطبائی در تفسیر «المیزان» می‌نویسد:

خداوند ذاتا از غیب آگاه است و هر کس چیز او از غیب آگاه باشد به تعلیم او خواهد بود و هر جا پیامبر (ص) آگاهی خود از غیب را انکار می‌کند و می‌گوید: علم غیب ندارم معنای آن اینست که مستقلا و ذاتا عالم به غیب نیستم و هر چه می‌دانم از جانب خدا به من آموخته شده است. [۱۱].

نمونه‌هایی از خبرهای غیبی نهج البلاغه

اشاره

خبرهای غیبی نهج البلاغه بیش از آن است که در این مقاله گرد آید، و در آغاز بحث یاد آور شدیم که در این کتاب هفتاد و پنج خبر غیبی وارد شده که اکثر و یا مجموع آنها تحقق پذیرفته‌اند، و ما برای ارائه نمونه، ده مورد را یاد آور می‌شویم:

شهر بصره غرق می‌شود

پس از این که جنگ جمل به پایان رسید و بصره فتح شد علی (ع) خطبه‌ای ایراد کرد که بخشی از آن، از خبری غیبی آن حضرت بشمار می‌آید.

فرمود: و ایم الله لتغرقن بلدتکم کانی بمسجد کم کجوجو سفینه...

بخدا سوگند شهر شما غرق می‌شود و مسجد شما بسان سینه کشتی (که بدنه آن در آب فرو می‌رود و تنها سینه‌اش روی آب ظاهر است) دیده می‌شود خداوند از بالا و پائین به ای شهر عذاب خواهد فرستاد. [۱۲].

ابن ابی الحدید در شرح این کلام می‌نویسد:

بصره تاکنون دوبار در آب غرق شده است یک بار در زمان «القادر بالله» و بار دیگر در زمان «القائم بامر الله» طغیان آب‌های خلیج فارس این شهر را در آب فرو برد و از آن همه ساختمان تنها قسمتی از مسجد جامع همان طور که علی (ع) خبر داده بود در میان آب دیده می‌شد و در این دو حادثه تمام خانه‌ها خراب شد و جمعیت زیادی غرق شدند. [۱۳].

معاویه بر سرزمین عراق مسلط می‌گردد

امیر مومنان (ع) خبر می‌دهد که او پیش از معاویه از دنیا می‌رود و معاویه پس از او بر عراق

[صفحه ۸]

مسلط می‌گردد و سپس می‌افزاید: انه سیا مرکم بسبی و لائبرائه منی...

از شما می‌خواهد که به من ناسزا گوئید و از من بی‌زاری جوئید [۱۴...]. همان طور که علی (ع) خبر داده بود، معاویه پس از آن حضرت بر عراق مسلط شد و از مردم خواست که به آن حضرت ناسزا بگویند و از او بی‌زاری جویند و داستان اسف انگیز ناسزا گوئی به علی (ع) حتی در خطبه‌های نماز جمعه که از زمان معاویه به دستور او مرسوم شده بود در تواریخ ثبت و ضبط است. [۱۵].

از آنها ده نفر جان به سلامت نمی‌برند و از شما هم ده نفر کشته نمی‌شوند

در نبردی که میان امام (ع) و خوارج در کنار نهروان رخ داد امام پس از اتمام حجت، و بازگشت گروهی از آنان به صفوف امام، رو به یاران خود کرد و فرمود:

مصارعهم دون النطفه و الله لا یفلت منهم عشره و لا یهلك منکم عشره. [۱۶].

قتلگاه آنان کنار آب نهروان است بخدا سوگند، از گروه آنان ده نفر جان به سلامت نمی‌برند و از شما هم ده تن کشته نمی‌شود.

ابن ابی الحدید می‌گوید این خبر غیبی یکی از معجزات علی (ع) است، که نقل آن نزدیک به تواتر رسیده است و در نبردی که میان امام و خوارج نهروان رخ داد همه شاهد بودند که نه نفر از خوارج جان به سلامت بردند و از میان یاران علی (ع) فقط هشت تن به شهادت رسیدند. [۱۷].

مروان بن حکم حکومت بسیار کوتاهی خواهد داشت

مروان بن حکم در جنگ جمل اسیر شد و امام حسن و امام حسین از پدر عفو او را خواستند حضرت او را آزاد کرده، و سپس فرمود:

اما ان له امره کلعه الکلب انفه و هو ابوالاکبش لاربعه و ستلقى الامه منه و من ولده یوما احمر. [۱۸].

آگاه باشید برای این مروان فرمانروائی کوتاهی است به مدت لیسیدن سگک بینی خود را. (این تعبیر کنایه از کوتاهی مدت فرمانروائی است) او پدر چهار رئیس است و امت اسلامی از فرمانروائی او و فرزندانش روز خونینی خواهند دید.

همانطور که آن حضرت خبر داده بود مروان به حکومت رسید اما حکومت او بیش از نه ماه طول نکشید و چهار فرزندش که یکی از آنها عبدالملک و سه تای دیگر عبارتند از: عبدالعزیز، بشر و محمد به ریاست رسیدند، عبدالملک خلیفه شد و آن سه والی

مصر و

[صفحه ۹]

عراق و جزیره شدند.

و امت اسلامی از مروان و فرزندانش روزهای خونینی دیدند که روشن‌ترین گواه آن، ظلم و ستم و خونریزی‌هایی است که به دست حجاج بن یوسف خونخوار که از طرف عبدالملک مروان، والی استاندار عراق بود انجام شد. [۱۹].

جوان ثقفی بر شما مسلط می‌شود و هستی شما را غارت می‌کند

«اما والله لیسطن علیکم غلام ثقیف الذیال المیال یا کل خضرتکم و یذیب شحمتکم» [۲۰ ...].

آگاه باشید به خدا سوگند جوانی متکبر و ستمگر از طائف ثقیف بر شما مسلط می‌شود که سبزه شما را می‌خورد و پیه شما را آب می‌کند، کنایه از اینکه به جان و مال شما رحم نمی‌کند و همه را از آن خود می‌داند.

این جوان ثقفی همان حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار و ستمگر معروف بود که در ایام حکومت خود به جان و مال مردم افتاد و هزاران نفر را به قتل رسانید. [۲۱].

برنامه مهدی موعود پیروی از قرآن و هدایت است

«يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى.» [۲۲].

هنگامی که مردم هدایت را پیرو هواهای نفسانی خود قرار دهند، مهدی موعود (ع) می‌آید و هواهای نفسانی را مغلوب نظریات تابع قرآن می‌دهد برنامه آن حضرت حکومت قرآن و هدایت است. [۲۳].

اگر بخواهم از همه خصوصیات شما خبر دهم می‌توانم

«والله لو شئت ان اخبر كل رجل منكم بمخرجه و مولجه و جميع شانه لفعلت و لكن اخاف ان تكفروا في برسول الله صلى الله عليه و آله» [۲۴ ...].

به خدا سوگند اگر بخواهم می‌توانم از همه خصوصیات هر کدام شما، که از کجا و چگونه و به چه هدف آمده‌اید و چه تصمیم دارید و خصوصیات دیگر خبر دهم. اما می‌ترسم درباره من غلو کنید و مرا از رسول خدا (ص) بالاتر بدانید و یا به خدائی من معتقد

شوید و این عقیده موجب کفر شما شود. ابن ابی الحدید در ذیل این کلام می‌نویسد: این گفتار علی (ع) مانند

[صفحه ۱۰]

گفتار حضرت مسیح است که می‌گفت: از معجزه‌های من این است که: «و انبئکم بما تاکلون و ماتد خرون فی بیوتکم» [۲۵].

شما را از غذائی که در خانه می‌خورید و از آنچه در خانه ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم. [۲۶].

زمانی بیاید که از اسلام فقط نام آن باقی بماند

«یاتی علی الناس زمان لا یبقی فیهم من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمه مساجدهم یومئذ عامره من البناء، خراب من الهدی» [۲۷...].

روزگاری بیاید که در میان مردم از قرآن جز خواندن و قرائت، از اسلام جز نمی‌نماند، در آن زمان مساجد از حیث بنا و ساختمان معمور و آباد است، اما از جهت هدایت و معنویت خراب است (مسلمانان به اسم اسلام و قرآن اکتفا می‌کنند و رفتن به مساجد هم جنبه تشریفات به خود می‌گیرد در صورتی که اسلام و قرآن باید در متن زندگی آنان حاکم باشد).

خوارج پس از من با خواری و ذلت زندگی خواهند کرد

«اما انکم ستلقون بعدی ذلا شاملا و سیفا قاطعا و اثره یتخذها الظالمون فیکم سنه» [۲۸].

آگاه باشید پس از من با ذلت همه جانبه و شمشیر برنده و استبداد روبرو می‌گردید اموال و حقوق شما را ستمگران می‌گیرند و این در باره شما برای همیشه معمول و رسم می‌گردد. همانطور که امیر مومنان (ع) خبر داد خوارج پیوسته از طرف حکومت‌ها مورد تعقیب قرار گرفته و اموال آنان پیوسته از طرف ستمگران تصاحب می‌شد. [۲۹].

از هر چه سؤال کنید خبر می‌دهم

«فاسألونی قبل ان تفقدونی، فوالذی نفسی بیده لا تسألونی عنی شی فیما بینکم و بین - الساعه ... الا انباتکم» [۳۰ ...].

در این خطبه امیر مومنان حدود آگاهی خویش از غیب را بیان می‌کند و می‌فرماید: از هر چه که تا قیامت پیش می‌آید سؤال کنید جواب خواهم داد و از هر نبرد و جنگی که پیش می‌آید و خصوصیات آن، تعداد افرادی که کشته می‌شوند یا می‌میرند و اینکه در کجا کشته می‌شوند و کجا به خاک سپرده می‌شوند از همه این‌ها آگاهی دارم. [۳۱].

این بود ده مورد از خبرهای غیبی امیر مومنان (ع) که در نهج البلاغه آمده است.

پاورقی

[۱] غلاه، کسانی هستند که امامان (ع) را از دایره بشر بودن خارج دانسته و برخی از صفاتی را که اختصاص به خدا دارد بر آنان ثابت می‌دانند.

[۲] نهج البلاغه خطبه صد و بیست و چهار، شرح نهج البلاغه ابن میثم ج ۱ ص ۸۵-۸۳ و ج ۳ ص ۱۴۱-۱۳۸.

[۳] امالی شیخ مفید ص ۱۴ چاپ نجف، و نیز ذیل روایتی همین مطلب را تأیید می‌کند: «نحن نعلم انک تعلم علما کثیرا اولاً ننسبک الـس علم الغیب» ... چند نفر از یاران امام صادق به آن حضرت می‌گویند ما می‌دانیم شما علم گسترده‌ای دارید اما در عین حال شما را به علم غیب نسبت نمی‌دهیم یعنی شما را با جمله «عالم به غیب» توصیف نمی‌کنیم. اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۷.

[۴] اوائل المقالات ص ۳۸، بحار الانوار - ج ۲۶ ص ۱۰.

[۵] مجمع البیان ج ۳ ص ۲۶۱ و ج ۵ ص ۲۰۵.

[۶] متشابهات القرآن ص ۲۱۱، مضمون کلام ایشان نقل شد.

[۷] شرح نهج البلاغه ابن میثم ج ۱ ص ۸۴ و ج ۳ ص ۱۴۰.

- [۸] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۴۲۷.
- [۹] دلائل الصدق مظفر ص ۲۴۳ چاپ قم.
- [۱۰] علم الامام ص ۷ و ۴۷.
- [۱۱] المیزان ج ۲۰ ص ۱۳۲-۱۳۱.
- [۱۲] نهج البلاغه خطبه ۱۳. نوشته صبحی صالح صفحه‌ی ۵۶.
- [۱۳] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۵۳ چاپ بیست جلدی.
- [۱۴] نهج البلاغه خطبه ۵۷.
- [۱۵] به شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۱۲۸-۵۵ مراجعه شود.
- [۱۶] نهج البلاغه کلام ۵۹ نوشته صبحی صالح صفحه‌ی ۹۳.
- [۱۷] به شرح نهج البلاغه ج ۵ ص ۱۳-۳ مراجعه شود.
- [۱۸] نهج البلاغه خطبه ۷۲.
- [۱۹] به شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۴۸-۱۴۶ مراجعه شود.
- [۲۰] نهج البلاغه خطبه ۱۱۶. صفحه‌ی ۱۷۴ صبحی صالح.
- [۲۱] شرح نهج البلاغه ج ۷ ص ۲۸۱-۲۷۶.
- [۲۲] نهج البلاغه خطبه ۱۳۸.
- [۲۳] شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۳۸ مراجعه شود.
- [۲۴] نهج البلاغه خطبه ۱۷۵. صفحه‌ی ۲۵۰ صبحی صالح.
- [۲۵] سوره آل عمران آیه ۴۹.
- [۲۶] شرح نهج البلاغه ج ۱۰ ص ۱۵-۱۰.
- [۲۷] نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۳۶۹، صفحه‌ی ۵۴۰ همان کتاب.
- [۲۸] نهج البلاغه خطبه ۵۸، صفحه‌ی ۹۳.
- [۲۹] شرح نهج البلاغه ذیل همان خطبه.
- [۳۰] نهج البلاغه خطبه ۹۳، صفحه‌ی ۱۳۷ صبحی صالح.
- [۳۱] به شرح نهج البلاغه ج ۷ ص ۵۷ مراجعه شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

